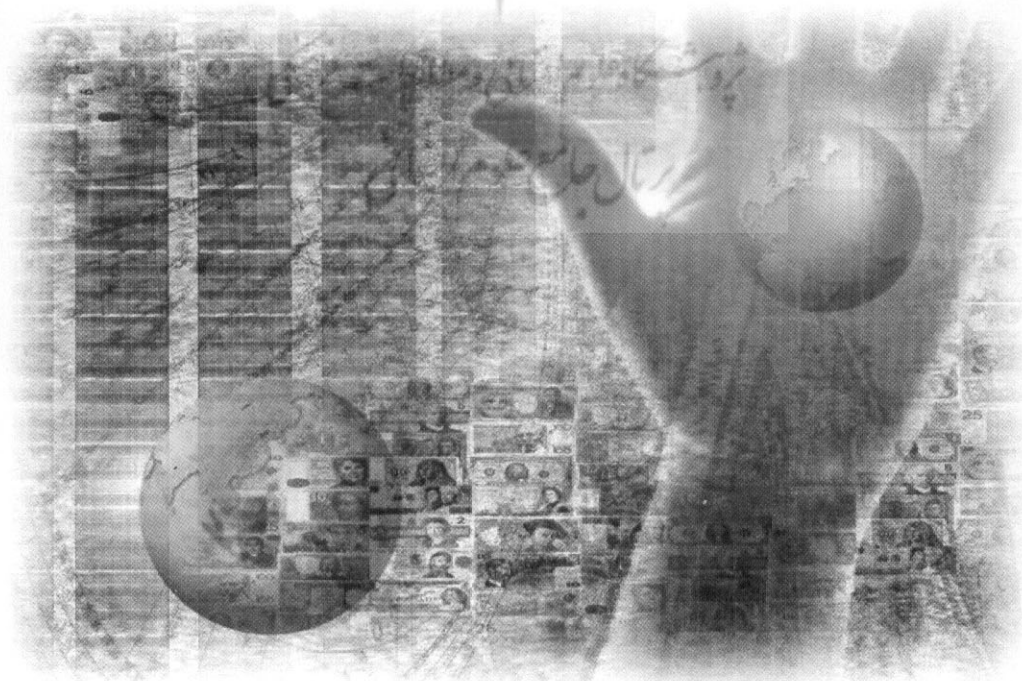


گروه‌های سیاسی و اقتصاد ایران شش پرسش، چهار دیدگاه

(۲)

در شماره گذشته ماهنامه در گزارشی با عنوان "شش پرسش، چهار دیدگاه" به طرح دیدگاه اقتصادی چهار گروه سیاسی کشورمان از زبان چهره‌های شاخص آنان پرداختیم. پرسش‌های مطرح در بخش نخست بیشتر معطوف به مسائل و چالش‌های درون اقتصاد کشور بود. در این شماره دومین بخش گزارش را خواهید خواند موضوع محوری آن ضرورت‌های تعامل بیشتر اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی است.



۱- آزادسازی تجاری

نظر تان در باره آزادسازی تجارت چیست؟ سالها است که با تعرفه‌های سنگین از تولیدات صنعتی حمایت می‌کنیم ولی حمایت‌ها به رقابتی شدن تولیدات منجر نشده است. درباره کاهش تعرفه‌ها چه نظری دارید؟ به طور مثال در مورد تولید اتومبیل که هنوز جرأت واردات را نیافته‌ایم و از مونتاژ حمایت می‌کنیم. آیا معتقدید به هر صورت باید تعرفه‌ها روند کاهشی داشته باشند؟

کشورها مطرح می‌شود، دستیابی به دانش فنی روز در جهت ارتقاء توان داخلی است. حال آنکه حمایت‌های بی‌قید و شرط دولت در این مقوله هم تنها به فروش قطعات خودروهای از رده خارج کشورهای دیگر انجامیده است، بدون آنکه مونتاژکاران خودرو را به امر تحقیق و توسعه و یا افزایش توان صادراتی کشور تشویق کند و سوق دهد. دلیل این امر هم روشن است؛ بازار بدون رقیب، سبب انفعال تولیدکننده و مونتاژکار، هر دو، می‌شود. در چنین شرایطی، کاهش تدریجی هدفمند و مشروط تعرفه‌ها و اعطای مجوز واردات به خودروهای ارزان قیمت و استاندارد خارجی از سویی و جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سوی دیگر، بویژه در شرایطی که خودروسازان داخلی به شدت به مصرف‌کنندگان خود از طریق پیش فروش محصولاتشان وابسته‌اند، می‌تواند سبب ارتقاء کیفیت و استاندارد، کاهش قیمت و گرایش بیشتر به مشتری‌مداری شود.

در عین حال نباید از اصل استفاده از صرفه‌های ناشی از مقیاس تولید و انتخاب مقیاس مناسب، غافل شد. در این ارتباط یکی از راهکارهای توسعه‌ای، موضوع "آدغام" است. نکته مهمی که باید به آن توجه کنیم، پیگیری این راهکار به گونه‌ای است که بتواند در مجموع باعث بهبود فن‌آوری تولید، کاهش هزینه‌ها، بهبود مدیریت تولید و نهایتاً افزایش کارایی در تولید شود.

البته در شرایط فعلی که صنایع خودروسازی داخلی با مشکلات فراوان فن‌آوری و ضعف تکنولوژیک و تراکم بالای نیروی انسانی روبرو هستند، آدغام داخلی واحدهای خودروسازی کارساز نیست. به نظر من راهکار درست آن است که خودروسازان داخلی، افزایش حجم تولید و استفاده از صرفه‌های اقتصادی را از طریق جلب مشارکت خودروسازان داخلی پی بگیرند و افزایش حجم تولید و استفاده از صرفه‌های اقتصادی را از طریق جلب مشارکت خودروسازان خارجی دنبال کنند.

یکی از عوامل تأثیرگذار در رقابتی شدن صنایع و تولیدات داخلی، قرار گرفتن این صنایع در معرض

انجام شده، این اتفاق نظر وجود دارد که در استراتژی توسعه صنعتی، اصلاح سیاست تجاری نخستین گامی است که باید برداشته شود و لازم است میزان موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای واردات کالاهای صنعتی به ارقام معقول و مناسب کاهش یابد. این هدف در ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم نیز آورده شده است. بنابراین پیروی از سیاست کاهش محدودیت‌های تجارت و کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای از جمله سیاست‌های اصلاح ساختاری در سال‌های اخیر بوده است.

همان‌طور که می‌دانید یکی از علت‌های اصلی که معمولاً برای حمایت از صنعت مونتاژ در بسیاری از

شیرکوند: آزاد

سازی تجاری، افزایش بازار و کاهش یا رفع موانع موجود در تجارت بین‌الملل از جمله عوامل مهم تأثیرگذار بر رشد شتابان تجارت در دو دهه اخیر هستند. محدود نگه داشتن تجارت در سطح نازل

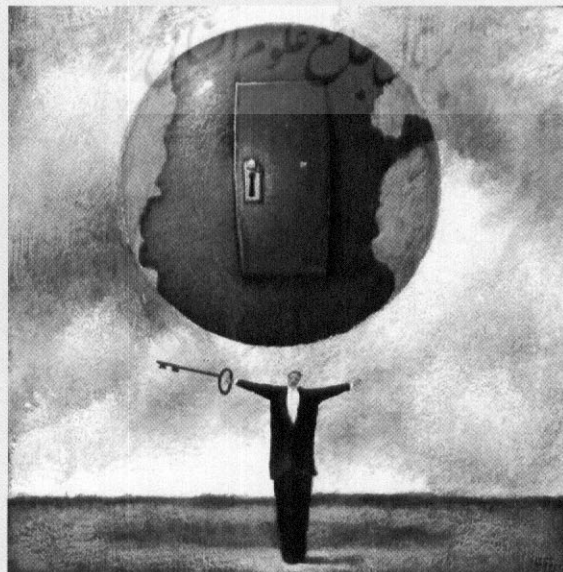


واردات مواد واسطه‌ای و نیم ساخته مورد استفاده در صنایع، نه تنها به رقابتی شدن صنایع داخلی و ایجاد توان حضور آنها در بازارهای بین‌المللی منجر نمی‌شود، بلکه به دلیل گسترش شرایط رقابت و بهبود روش‌های تولید در سطح جهانی، بازار متزلزل داخلی را هم روزی از چنگ تولیدکنندگان داخلی خارج می‌کند و آن را در اختیار تولیدکنندگان خارجی خواهد گذاشت.

برای نمونه صنعت خودروی کشور با بهره‌گیری از حمایت‌هایی چون تعرفه‌های گمرکی ۱۳۰ تا ۱۵۰ درصدی، اخذ مالیات‌های سنگین از خودروهای وارداتی و ممنوعیت ورود، سال‌های متمادی از بازار بسیار گسترده و بی‌خطری برخوردار شده است. تداوم این وضعیت نه چندان مطلوب و حمایت‌های بی‌قید و شرط دولتی از سویی و ساختار غیررقابتی این صنعت از سوی دیگر، نه تنها به افزایش هزینه خودروهای ساخت داخلی انجامیده، بلکه با بی‌توجهی به رضایت مصرف‌کنندگان و حتی افت کیفی این محصول، هزینه‌های فراوانی را در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی به جامعه تحمیل کرده است. به عنوان مثال سالیانه ۷۵ میلیارد دلار بنزین از خارج از کشور خریداری می‌شود که بخش قابل توجهی از آن به سبب فن‌آوری عقب افتاده خودروسازی کشور به هدر می‌رود. در مجموعه بررسی‌ها و مطالعات کارشناسی

شیرکوند:

در کنار کاهش پیوسته تعرفه‌ها، باید به بازارهای صادراتی هم چشم دوخت و امکان حضور در این بازارها را برای تولیدکنندگان داخلی فراهم آورد



مقایسه با صنایع مشابه خارجی و ایجاد امکان برای خریداران در جهت انتخاب میان تولیدات متنوع داخلی و خارجی است. این انتخاب زمانی معنی دار است که کالاهای خارجی بتوانند با نرخ تعرفه معقول و مناسبی وارد کشور شوند و در کنار کالاهای داخلی به مصرف کنندگان عرضه شوند. فقدان این شرایط و بالا بودن تعرفه‌ها از یک طرف امکان مقایسه و انتخاب را برای مصرف کنندگان از میان می‌برد و از طرف دیگر انگیزه بهبود کیفیت را از تولیدکننده می‌گیرد.

البته در کنار کاهش پیوسته تعرفه‌ها، باید به بازارهای صادراتی هم چشم دوخت و امکان حضور در این بازارها را برای تولیدکنندگان داخلی فراهم آورد. چرا که کاهش تعرفه‌ها و بهبودی شرایط و امکانات صادرات به منزله دو بال برای پرواز صنایع

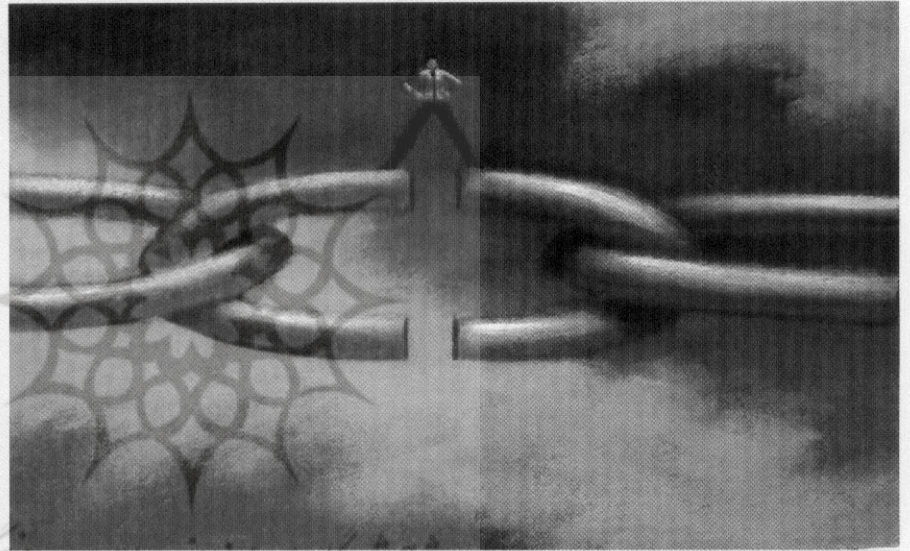
اما نکته قابل توجه در موضوع آزادسازی تجارت، موضوع یارانه‌هاست. اگر شما می‌خواهید کالایی راروانه بازار جهانی کنید و کشور دیگری برای تولید همان کالا به تولید کننده یارانه می‌دهد، لاجرم شما هم باید برای تولید آن کالا یارانه بپردازید.

البته، این مورد تنها مشکل تجارت آزاد نیست. در اقتصادهای درحال گذر مشکلات دیگری نیز بر سر راه تجارت آزاد وجود دارد. وجود انحصارها از آن جمله است. هم اکنون در کشور ما نوعی انحصار عرضه خودرو وجود دارد. در این وضعیت انحصاری تولید کنندگان خودرو، به دلیل محدود بودن عرضه اتومبیل، به زیان و از جیب مشتری، سودی توأم با افزون طلبی و یا رانت کسب می‌کنند. روشن تر بگوییم قیمت اتومبیل در ایران به دلیل انحصار

نتیجه این سیاست افزایش صادرات بود. از سوی دیگر بازاریابی جهانی نیاز به ارتقاء کیفیت کالا دارد. تولید کننده کره‌ای به این مهم هم توجه کرد و به این ترتیب توانست در عرصه جهانی حضور بیابد.

به هر حال حمایت بی برنامه راه به جایی نمی‌برد. اگر هر قدر زودتر بتوانیم بدون نابود کردن صنعت از طریق واردات، از میزان حمایت و یارانه‌ها بکاهیم و در یک فرآیند برنامه ریزی شده به سمت بازارهای جهانی گام برداریم موفق تر خواهیم بود.

البته روند کاهشی تعرفه‌ها بحث درستی است، ولی در کنار آن باید به بحث دیگری هم توجه داشت؛ مانند برطرف کردن انحصار در بازار. با وجود انحصار، آزاد کردن واردات، سودی عاید کشور نخواهد کرد، اما اگر همراه با اصلاح ساختار و رفع انحصارها، رقابت در



دانش جعفری:

اگر هر چه زودتر بتوانیم بدون نابود کردن صنعت از طریق واردات، از میزان حمایت و یارانه‌ها بکاهیم و برنامه ریزی شده به سمت بازارهای جهانی گام برداریم موفق تر خواهیم بود.

تولید را تقویت کنیم و تعرفه‌ها را کاهش دهیم، حاصل کار می‌تواند مفید باشد. البته همیشه باید مراقب احتمال "دامینگ" کشورهای دیگر علیه بازار نوپای صنایع داخلی باشیم. دولت نقش مهمی در این عرصه دارد و نباید اجازه دهد این بار "انحصار خارجی" بر اقتصاد کشور حاکم شود.

به هر حال باید توجه داشت تعیین یک جدول زمان بندی به وضعیت اقتصادی کشور بستگی دارد. طبعاً هر چه مسیر زودتر و با دست‌انداز کمتری طی شود، به نفع اقتصاد کشور خواهد بود. در صورت بروز معضل، باید راهکار مناسبی اتخاذ کرد تا مشکل برطرف شود. اگر دست از حمایت برداریم، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی توجیه خود را از دست می‌دهند. بنابراین وقتی دولت با بررسی به این نتیجه رسید که یک صنعت، دیگر توجیه اقتصادی ندارد، باید آماده مواجه شدن با آثار نامطلوب تعطیلی آن صنعت (همچون بیکاری) هم باشد. طبعاً به دلیل احتمال بروز همین مشکلات هم است که کار باید با تأمل و دقت بیشتر و در فرآیند زمانی بلندتری صورت بگیرد.

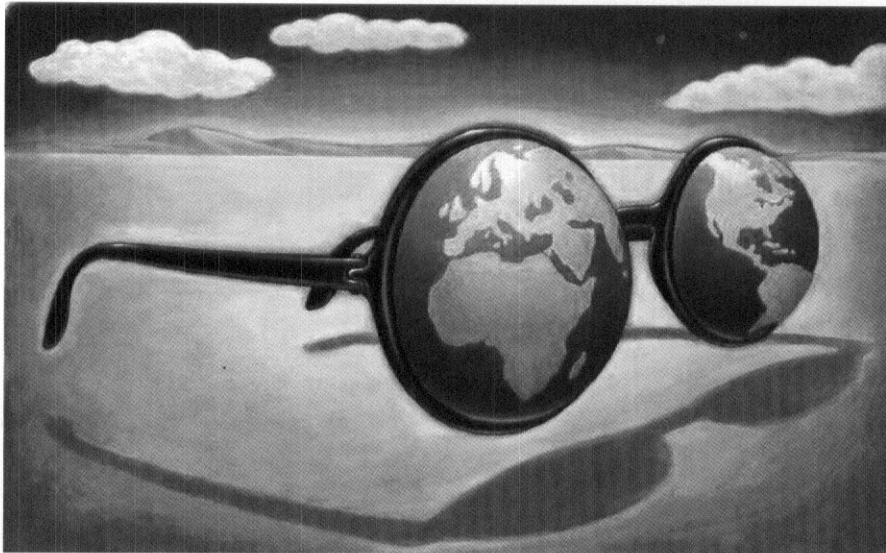
بالاست. حال اگر واردات خود رو آزاد شود و قیمت اتومبیل‌های تولید داخل در سطح فعلی باقی بمانند، واردکننده خودرو قطعاً نفع چشمگیر و سود بی‌رویه‌ای خواهد برد. مگر آنکه انحصار داخلی را حذف کنیم و زمینه را برای حضور فعال و وسیع شرکت‌های خارجی خودرو در بازار ایران فراهم کنیم. در این صورت با بحث سرمایه نوزاد چه خواهیم کرد؟ مقصود آن دسته از صناعی است که در ابتدای فعالیت خود نیاز به حمایت دارند؛ مانند همین صنعت اتومبیل در ایران. هزینه اولیه این صنایع بالاست و برای اینکه بتوانند روی پا خود بایستند نیاز به حمایت دارند. در عین حال که ادامه وضعیت کنونی نیز مطلوب نیست.

دقت در رفتار کشور کره در مورد صنعت خودرو به دلیل اینکه کره و ایران به طور همزمان فعالیت در تولید اتومبیل را آغاز کردند می‌تواند سودمند باشد. از آنجا که کره کشوری محروم از منابع نفتی است، از همان ابتدا برای توسعه صادرات برنامه ریزی کرد و در مقاطعی برای صدور هر اتومبیل به تولیدکننده داخلی یارانه پرداخت.

داخلی و رقابتی شدن آنها و در نهایت تضمین توسعه و رشد اقتصادی کشور است.

دانش جعفری: آزادسازی تجارت، اصل مورد توافق در بحث‌های تجارت بین الملل است. براساس این اصل، مبادلات تجاری میان دو کشور دربرگیرنده منافع هر دو کشور است. برای مثال کشوری که دارای مزیت نسبی در کالا است با کشوری که دارای مزیت نسبی در عرصه فناوری است وارد تعامل اقتصادی می‌شود و از رهگذر این تعامل در جهت افزایش تخصص و دانش فنی گام بر می‌دارد.

البته چنین رابطه‌ای در مورد تمام کشورها صادق نیست. مثلاً سیاست ژاپن، تولید برخی کالاهای استراتژیک کشاورزی به هر قیمتی در داخل است. زیرا این کشور همواره نگران بروز شرایطی مانند جنگ جهانی دوم است. به همین دلیل با هزینه بالایی به تولید برنج می‌پردازد تا در هنگام بحران بتواند روی پای خود بایستد. یا کشور عربستان که در سال‌های اخیر برای رسیدن به خودکفایی در محصول گندم با تصفیه آب دریا و روانه کردن آن به مزارع، هزینه بسیار بالایی متحمل شده است.



این تقاضا تأثیر فزاینده دارد. طبیعی است که در چنین فضایی رقابت به کار نمی افتد. بنابراین کاهش تعرفه های حمایتی کمکی به بهبود کیفیت و قیمت کالاها داخلی نمی کند و فقط دولت را از درآمدی محروم می کند که می تواند بالقوه، وابستگی بودجه دولت به نفت را که منشاء فساد است، کاهش دهد. این درست است که حمایت از صنایع داخلی بالاخره باید حد و مرزی داشته باشد، ولی این حد و مرز صرفاً و بلافاصله با کاهش تعرفه ها تعیین نمی شود، بلکه باید تدابیر زیادی برای کنترل کیفی مصنوعات داخلی و سختگیری هایی در زمینه قیمت فروش کالاها و نیز تدابیری برای کاهش هزینه تولید صورت گیرد. بلی، روند کاهش تعرفه ها لازم است، ولی پیش از آن و همراه با آن باید در نظام تولید تحولی ایجاد کرد.

برداشتن تور حمایتی از صنایع داخلی بدون تدابیر مقدماتی که اشاره کردم موجب ورشکستگی صنایع داخلی و بیکاری هزاران کارگر و کارمند مشکلات اجتماعی و سیاسی بسیار می شود.

بر همین اساس تعیین جدول زمانی برای اینکه هم دولت خود را موظف بداند که تدابیر مقدماتی لازم را برای کاهش حمایت های خود از صنایع داخلی بیندیشد و هم صاحبان صنایع داخلی، خود را برای کسب توان مقاومت در برابر کالاهای خارجی آماده کنند، ضروری است، ولی باید دانست تولید رقابتی که امری لازم است در برابر مصنوعات خارجی مهم است.

اصولاً در کشور ما که هزاران مشکل تولیدی و اقتصادی دارد، تنوع و کثرت مصنوعات، از جمله اتومبیل، کاری لوکس و در واقع ریخت و پاش است. قابل رقابت کردن همان دو نوع اتومبیل، که به قولی کیفیت متوسط دارند، در برابر اتومبیل های خارجی، هم آسان تر است و هم کم هزینه تر. ولی باید فکری برای اشتغال کارکنان آن اتومبیل های زائد بر دو نوع اتومبیل مقبول کرد. ●

سال تجربه اعمال سیاست حمایتی کفایت می کند و باید با یک برنامه ریزی جدی به سوی کاهش سریع تعرفه ها و ایجاد فضای رقابتی حرکت کنیم. هر چند متأسفانه به علت پایین بودن درآمدهای دولت و کسری بودجه این احساس وجود دارد که دولت مجبور است برای کسب درآمد هم که شده تعرفه گمرکی اتومبیل را بالا نگه دارد؛ یعنی اتخاذ رویکردی که ممکن است به ضرر صنعت خودرو و مصرف کننده باشد.

متأسفانه به نظر می رسد برنامه منسجم و مدونی برای صنعت خودرو نداریم. صدور مجوزهای متعدد مونتاژ خودرو در کنار پیگیری بحث واردات، همچنین توسعه مدل های تولید، پیش از آنکه نتیجه سیاستی جامع و استراتژی صنعتی باشد، رویکردهایی روزمره و احساسی است. مشکل اساسی این است که ما نخواستیم مصرف کننده را در مصرف خودرو آزاد بگذاریم. به بیان دقیق تر هر فرد و یا هر بنگاهی که به اقتضای توانایی و نفوذ خود توانسته است مجوز تولید و مونتاژ بگیرد، در این زمینه موفق بوده است.

به یقین اعمال این گونه این سیاست ها رقابتی شدن صنعت اتومبیل سازی ما را به تأخیر می اندازد.

مهندس سبحانی: در پی اعلام آزاد شدن تجارت و کاهش

تعرفه های حمایتی در سال ۱۳۶۷ یکباره با هجوم واردات بی ارزش ترین کالاها، از شکلات و مواد غذایی تا پارچه و لباس و بسیاری چیزهای دیگر و نیز البته کالاهای سرمایه ای و تکنولوژیک روبه رو شدیم. به یک مثال ساده اشاره می کنم: امروز شاهد هستیم به رغم رکود و ورشکستگی صنایع نساجی داخلی، تمام مغازه های پارچه فروشی از منسوجات خارجی انباشته هستند. همین وضعیت در باره کالاهای دیگر هم صادق است. از سوی دیگر هر نوع کالای داخلی هم که تولید می شود، خریدار دارد. مثال بارز این موضوع هم تقاضای مداوم خرید اتومبیل های داخلی است که، به نسبت، قیمتی حدودی سه برابر قیمت اتومبیل در خلیج فارس دارند. البته ارزیابی سوخت هم بر افزایش

هفتی: همان طور

که می دانید استراتژی صنعتی شدن بر مبنای جایگزین کردن واردات قبل از انقلاب اسلامی استراتژی صنعتی بر اقتصاد کشورمان حاکم بود. بعد از انقلاب اسلامی هم همین ایده، علیرغم



ضعف های آن، اما به امید حلقه های مفقوده صنعت ادامه یافت.

در ادبیات توسعه اقتصادی، مهمترین اصل پشتوانه این استراتژی، اصل حمایت از صنایع است. یکی از مهمترین نظریه های مطرح در این زمینه هم نظریه "نیروهای مولد" متعلق به اقتصاددان آلمان "فردریک لیست" است. وی توسعه نیروهای مولد را به معنای ایجاد مدارهای منسجم داخلی می دانست. بنابراین حمایت از اقتصاد نوپای کشورها در برابر اقتصاد جهانی و پذیرش انزوای اقتصادی موقت را تا رسیدن به مرحله اقتصاد جامع یا تکامل یافته مورد تأکید قرار می داد. معتقدان به سیاست جایگزینی واردات و اصل حمایت از صنایع داخلی بر این باور بودند که با توسل به این راهبرد آخرالامر صنایع مورد نظر، بر اثر تولید وسیع و کاهش هزینه ها، به سودآوری خواهند رسید و از قدرت رقابت در بازار جهانی برخوردار خواهند شد.

اما متأسفانه نحوه حمایت دولت ها از صنایع به طور عام و در کشور ما به طور خاص به گونه ای بود که هدف پیش بینی شده در استراتژی جایگزینی واردات تحقق نیافت. در حقیقت از یک سو ایجاد صنایع انحصاری، پشت دیوارهای حمایتی، و اعمال تعرفه سنگین گمرکی، تولیدکنندگان را در مقابل مصرف کنندگان منتفع ساخت و از سوی دیگر حمایت بی حساب و کتاب و افراطی دولت از این گونه صنایع موجب تخصیص ناکارآمد منابع و بهره برداری ناصحیح از ظرفیت کارخانه ها شد. (صنعت خودروسازی یکی از نمونه هاست) از همه مهمتر اینکه قیمت بالا و کیفیت پایین محصولات نتیجه تداوم همین سیاست حمایت بی برنامه از صنایع مورد بحث است. با این توضیحات، طبعاً معتقدم که سیاست حمایت از صنایع باید با برنامه زمانی مشخص صورت بگیرد. و از میزان این حمایت به تدریج، اما پیوسته، کاسته شود. در غیراین صورت قطعاً این مصرف کننده است که زیان خواهد دید.

از سوی دیگر پایین بودن صادرات کالاهای صنعتی کشور نشان می دهد سیاست های حمایتی ما در عمل موفق نبوده است. برای مثال سیاست ما در زمینه صنعت خودرو. با وجود تولید فراوان داخلی و اشتغال زایی این صنعت، در زمینه رقابتی کردن و بالا بردن کیفیت آن چندان موفق نبوده ایم و صنعت خودرو صرفاً در پشت دیوارهای انحصار توانسته است رشد بکند. به نظر من ۳۰

۲- دیپلماسی اقتصادی

نظرتان درباره دیپلماسی اقتصادی یعنی استفاده و بکارگیری دیپلماسی و سیاست خارجی برای مقاصد توسعه اقتصادی چیست؟ برخی معتقدند در خلال سال‌های گذشته منافع اقتصادی برای رسیدن به برخی اهداف سیاسی همواره هزینه شده است و تداوم این روند ما را در مسابقه توسعه کشورها عقب نگاه داشته است. نظر شما در مورد اداره سیاست خارجی واقع‌گرایانه که بتواند منافع اقتصاد ملی را نیز در بر گیرد چیست؟

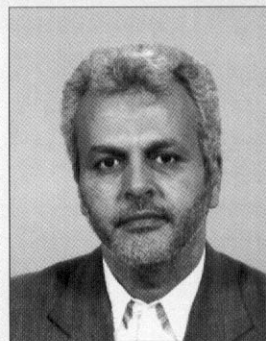
تفاوت با امنیت ملی اتخاذ کنند. در حالی که موضوع مهم طراحی این دو بر اساس منافع ملی است.

همتئی: واقع‌گرایی و ایجاد یک تعامل مثبت در سیاست خارجی می‌تواند زمینه‌های بهره‌مندی بهتر و مثبت، از اقتصاد جهانی را فراهم کند. سابقه ۲۵ سال گذشته نشان داده است در مقطعی که از موضع قدرت و لیکن از زاویه حکمت و تدبیر وارد شده‌ایم نتایج بهتری در سیاست خارجی و اقتصاد بین‌الملل گرفته‌ایم. امروزه اقدامات سیاسی و نظامی در سطح بین‌المللی از زاویه هزینه مثبت

بتوانیم دیپلماسی اقتصادی را به نحو بهینه و مناسبی راهبری کنیم. گاه دیده می‌شود که در مصاحبه و یا مقاله‌ای به نوعی دیپلماسی اقتصادی به مفهوم عدم توجه به سیاست امنیت ملی تلقی می‌شود در حالیکه این دو نباید لزوماً در تناقض با یکدیگر باشند. اگر کشوری بخواهد از نظر اقتصادی پیشرفت کند، اما نسبت به امنیت ملی خود بی‌تفاوت باشد، این نقض غرض است. متأسفانه در موردهای فراوانی شاهد هستیم که دیپلماسی اقتصادی ما و سیاست امنیت ملی ناهماهنگ با یکدیگر هستند. یا اینکه همه دست اندرکاران در این باره توجه نیستند و چه بسا دیپلماسی اقتصادی

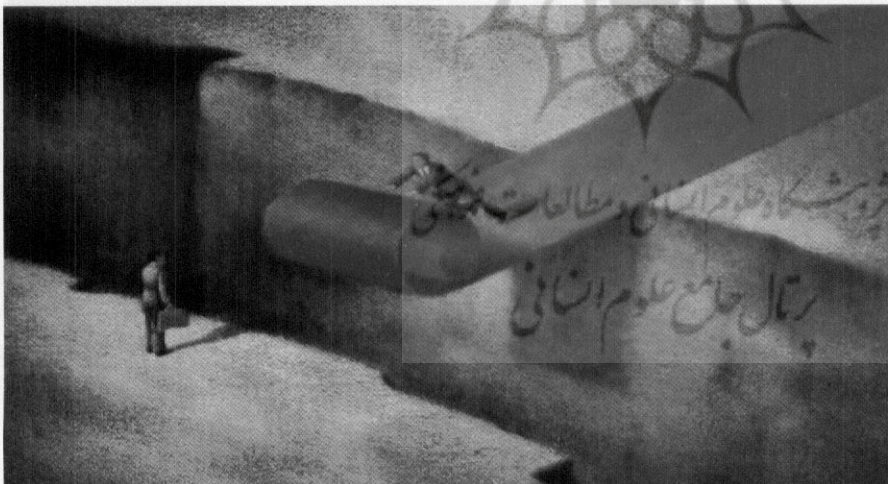
دانش جعفری:

حقیقت این است که در سال‌های گذشته به صورت موثری در جهت اجرای یک دیپلماسی اقتصادی موفق عمل نکرده‌ایم. منظور از دیپلماسی این نیست که از اصول سیاسی خود کوتاه بیاییم و



بی‌تفاوت باشیم، بلکه باید از ابزارهای دیپلماسی در جهت توسعه اهداف اقتصادی خود بهره بگیریم. در بسیاری مواقع آن طور که باید و شاید در انتخاب سفیر یا مسئول بخش اقتصادی توجه نکرده‌ایم. معمولاً کسی که به عنوان سفیر کره یا مالزی به ایران می‌آید شخصیتی است که هدف توسعه روابط بازرگانی دو کشور را دنبال می‌کند، در حالیکه ما این نگرش را کمتر در انتخاب سفرا داشته‌ایم. بعید است به سفیرمان در کشوری که هدف اقتصادی برای مان به حساب می‌آید بگوییم که وظیفه شما باید مبادلات اقتصادی باشد. در واقع در گذشته بیشتر گزینش دیپلمات‌های ما، سیاسی بوده است و در انتخاب‌ها هدف‌های کمی اقتصادی مد نظر قرار نمی‌گرفت. ما باید از این فرصت‌ها بیشتر بهره بگیریم و بکشیم جز در باره حدود ۲۰ کشوری که انتخاب سفیر برای آنها با دیدی سیاسی صورت می‌گیرد، برای بقیه کشورها افرادی متبحر در زمینه اقتصادی و بازرگانی را انتخاب کنیم.

یک توضیح را هم اضافه کنم. مفهوم دیپلماسی اقتصادی این نیست که یک کشور نسبت به اهداف امنیتی و سیاسی خود بی‌تفاوت باشد. هر کشوری برای خود یک استراتژی امنیت ملی دارد. برای مثال آمریکا راهبرد امنیت ملی خود را برای سال ۲۰۲۵ هم تدوین کرده است و براساس آن تصمیمات اقتصادی خود را اتخاذ می‌کند. همین قاعده در باره ما هم باید صادق باشد. اصل بر سیاست امنیت ملی است منتهی در چارچوب این سیاست باید



و منفی آن ارزیابی می‌شود. اگر اقدامات سیاسی در سطح بین‌المللی موجب هزینه‌ای بیش از فایده آن شود، قطعاً قابل دفاع نیست. بنابراین سنجیده کردن اقدامات و توجه به منافع اقتصادی جمهوری اسلامی و امنیت ملی کشورمان اولویت اساسی دارد. البته انعطاف و واقع‌گرایی به هیچوجه به معنای تسلیم و سازش نیست، بلکه مقصود حرکت بر مبنای تدبیر و از موضع عزت و حکمت است. کشورهایی نظیر مالزی نشان داده‌اند که می‌توان در عین تکیه بر اصول و ارزش‌ها، بر دشواری‌های اقتصادی غلبه کرد و سیاست جذب سرمایه و تکنولوژی

همتئی:

اگر اقدامات سیاسی در سطح بین‌المللی موجب هزینه‌ای بیش از فایده شود قطعاً قابل دفاع نیست

۳- پیوستن به تجارت جهانی

در برنامه چهارم پیوستن به سازمان تجارت و ترتیبات اقتصادی چندجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی پیشنهاد یا پیش‌بینی شده است. ما هنوز با هیچ کشور دنیا موافقت‌نامه تجارت آزاد نداریم. نظر شما درباره پیوستن به اقتصاد جهانی و چارچوب زمانی مورد قبول برای آن چیست؟ آیا پیوستن به ترتیبات تجارت آزاد در منطقه و یا گروه‌های در حال توسعه را مفید می‌دانید؟

ثانیا بسیاری از کشورها، بخصوص کشورهای منطقه، مثل شیخ نشین‌های خلیج فارس، ترکیه، آسیای میانه و حتی افغانستان و پاکستان با ما برخورد سیاسی می‌کنند و تولیدات ما را فاقد استانداردهای لازم اعلام می‌کنند. بنابراین یکی از پیش‌نیازهای ورود در سازمان جهانی حل و فصل و تنش‌زدایی از روابط خارجی ما است. من تصور نمی‌کنم که حتی با فرض حل و فصل مسائل سیاسی ما با آمریکا، که خود فرآیندی دراز مدت است، مسائل اقتصادی ما با ترکیه و امارات متحده عربی و جمهوری آذربایجان به سادگی حل شود. ترکیه از قدیم الایام مطامع خرده‌امپریالیستی در ایران داشته و کوشیده است در روابط اقتصادی کشور ما را استثمار کند و این رابطه تابع روابط ما با آمریکا نیست.

مناسبات ما با جمهوری آذربایجان و امارات متحده هم چندان صمیمانه نیست. طرفه آنکه در حالی که این کشورها، کالاهای ما را فاقد استانداردهای لازم می‌دانند، آلمان یا سوئد یا فرانسه آن کالاها را می‌پذیرند. مقصودم

مهندس سحابی:

پیوستن کشورهای که قدرت تولیدی و مزیت‌های نسبی‌شان اندک است و توانایی رقابت با کشورهای صنعتی پیشرفته یا بیسره‌های اقتصادی جدید همچون چین را ندارند، به سازمان تجارت جهانی مترادف ورشکستگی و انهدام اقتصاد ملی آن‌هاست؛ مگر آنکه تدابیر مقدماتی بسیاری صورت دهیم. کشور ما، از لحاظ انرژی و منابع معدنی و تخصص‌ها و مهارت‌های نیروی انسانی، مزایایی نسبی دارد، ولی به لحاظ سازمان ملی نظام تولید، و کارآمدی نیروی انسانی و هزینه انجام شده در ردیف عقب‌ترین کشورهای جهان است.



مهندس سحابی:

انعطاف در سیاست خارجی و واقع‌گرا شدن در برخورد با مسائل جهانی یک وجه لازم و ضروری توسعه است

رانیز پیش برد. حضرت امام (ره) فرمودند حفظ جمهوری اسلامی از همه امور واجب‌تر است. لازمه قدرت اقتصادی، داشتن نیروی انسانی و تکنولوژی برتر و تجهیز به علم و تأثیرگذاری در منطقه و جهان است. این امر جز با تدبیر و واقع‌گرایی و استفاده از تمامی روش‌ها بخصوص دیپلماسی و سیاست خارجی در صحنه جهانی میسر نمی‌شود.

مهندس سحابی: در تمام کشورهای جهان، اعم از پیشرفته یا در حال توسعه یا عقب‌مانده، سیاست خارجی تابع اقتصاد و منافع و نیازهای اقتصادی است، ولی در کشور ما متأسفانه شیوه برعکس بوده است. به دلیل درآمد نفت، دچار خواب و خیال خود ثروتمند پنداری‌اند. در حالی که به قول معروف، وجود ثروت‌های ملی بر پایه منابع طبیعی به هیچ‌وجه مؤید قدرت کشور و یا دولت‌ها نیست، بل "قدرت تولید ثروت" است که

توانمندی ملت‌ها و دولت‌ها را نشان می‌دهد. قدرت منبعث از تولید ثروت، نیازمند دانش، همکاری دولت و ملت و نیز تدبیر و عقلانیت سیاسی در داخل و خارج کشور است. برای ما افتخار آمیز نیست که در کشوری که از منابع طبیعی عظیمی چون نفت برخوردار است، اقلیمی وسیع و متنوع و جمعیتی نسبتاً کم و در عین حال نیروی انسانی برجسته‌ای از نظر هوش و استعداد و قدرت جذب مهارت‌ها و فناوری‌های مدرن دارد، از عقب‌ماندگی اقتصادی و فقر در رنج باشد. انعطاف در سیاست خارجی و واقع‌گرا شدن در برخورد با مسائل جهانی یک وجه لازم و ضروری توسعه است، همچنانکه عقلانیت و دوراندیشی و پرهیز از احساس‌گری و یا فدا کردن منافع و مصالح اقتصادی جامعه و نیز داشتن حس ملی و وطن دوستی هم وجه لازم دیگر برای پیشرفت است.

شیرکوند: نظر حزب ما در این خصوص در بیانیه‌های رسمی حزب منعکس شده است. اما از نظر اینجانب در عصر کنونی دیپلماسی موثرترین روش و ابزار را برای شکوفایی اقتصاد داخل در تعامل با اقتصاد جهانی را فراهم می‌کند. اگر بپذیریم که اقتصاد ملی تنها در تعامل موثر و سازنده با اقتصاد جهانی به شکوفایی خواهد رسید پس برای دستیابی به این تعامل بایستی از دیپلماسی موثر و سازنده در حوزه‌های اقتصادی برخوردار باشیم. ●



مگر با عضویت در سازمان تجارت جهانی، تا از این طریق کشور ما نیز از تسهیلات تجارت بین الملل بهره مند گردد.

البته باز همان طور که می دانید بحث عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی از سال ۱۳۷۰ مطرح شده است ولی تاکنون هربار این تقاضا با مخالفت آمریکا، رد شده است. از طرف دیگر پیوستن به ترتیبات اقتصادی چندجانبه و بین المللی به طور قطع کار مفیدی است. ولی با توجه به عضویت بسیاری از کشورهای منطقه و در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی اول باید به این موضوع فکر کرد که برقراری این ترتیبات تا چه حد امکان پذیر است. به احتمال بسیار، منافع حاصل از عضویت ایران در این ترتیبات منطقه ای تحت الشعاع عضویت کشورهای قرار می گیرد که عضو سازمان تجارت و یا ترتیبات منطقه ای دیگر هستند. همه این ها مستلزم یک نگرش همه جانبه به نظام پیچیده تجارت بین الملل است.

با توجه به اینکه هم اکنون تنها حدود ۴۸ کشور در سازمان تجارت جهانی عضویت ندارند که از این میان، ۲۵ کشور در حال الحاق و چهار کشور از جمله ایران متقاضی پیوستن به این سازمان هستند و کشورهای باقیمانده، در سطح تجارت بین الملل بسیار کوچک و کم اهمیت هستند و به هیچ روی طرف تجارتی ایران محسوب نمی شوند (بجز ترکمنستان)، دیر یا زود ایران باید عضویت در این سازمان را تجربه کند. به همین خاطر باید اقدامات لازم انجام شود و اصلاحات اقتصادی که ما را به عضویت نزدیکتر می سازد صورت پذیرد. بسیاری از اقدامات و اصلاحات اقتصادی و تجارتی هم که تا کنون در کشور انجام شده ما را به این هدف نزدیک تر کرده است.

دانش جعفری: آنچه در چشم انداز بیست ساله مورد توجه قرار گرفته و به آن اشاره شده، تعامل مثبت و سازنده با دنیا است. در واقع باید از آنچه به منافع ملی کشور کمک می کند استقبال کرد. در این راستا، سیاست توسعه صادرات همواره یکی از سیاست های کشور بوده است. لازمه پیشبرد این خط مشی هم رسیدن به توافق مناسب با کشورهایی است که سیاست اقتصادی سازنده ای نسبت به ایران ندارند و در برابر صادرات کالای ایرانی موضع گرفته و یا تعرفه های بالایی وضع کرده اند. ورود به سازمان تجارت جهانی می تواند به ما در حل این معضل کمک کند. البته برای رسیدن به هدف مورد نظر باید دو برنامه داشته باشیم.

- توسعه صادرات محصولاتی که در آنها از

شیرکوند:
چه بخواهیم و چه نخواهیم،
کشورهای غیرعضو هم
عملاً در معرض پیامدهای
تصمیم های این سازمان قرار
می گیرند، ولی از منافع آن
برخوردار نمی شوند



دانش جعفری:
بی توجهی به زمان،
عواقب سوء خواهد داشت
و ما را از پیشرفت های
جهانی باز می دارد

این است که این مسائل به صرف پیوستن به سازمان تجارت جهانی حل نمی شود.

ثالثاً یکی از عوامل مهم بالا بودن هزینه تولید در کشور ما بهره وری پایین نیروی انسانی، بخصوص، کارگران است. چاره این کار هم همانا افزایش بهره وری است.

قطعاً با هر کشور یا گروه هایی از کشورها که آماده ترتیبات تجاری عادلانه با ما باشند می توان و باید وارد در ترتیبات تجارت آزاد شد. ولی در مورد برخی کشورها من تردید دارم که موفقیتی به دست آید. امروز مسئله اقتصاد در کشورهای در حال توسعه و ملاحظات منافع و مصالح ملی برای همه آن ها، امری بسیار حیاتی است و این مصالح چندان با رقابت آزاد سازگاری ندارد. این گونه کشورها در برابر دولت های قدرتمند امریکایی و اروپایی، به دلیل نیازهایی که به آنها دارند، آسان تر ترتیبات تجاری آزاد را می پذیرند، ولی در برابر دولتی ضعیف از نظر قدرت تولید، خیلی ملی گرا می شوند! حتی هند و پاکستان هم به رغم بهره مندی فراوان از کشور ما، قبل و بعد از انقلاب، از این قاعده مستثنی نیستند.

تعیین چهارچوب زمانی هم امری بسیار ضروری است، ولی باید بدانیم که با وضع و واقعیت مدیریت کلان اقتصادی در کشور این کار چندان آسان نیست.

سعید شیرکوند: سازمان تجارت جهانی یکی از مهمترین سازمان های بین المللی تأثیر گذار بر فعالیت های اقتصادی کشورها و تجارت بین المللی است. این سازمان هم اکنون ۱۴۸ عضو دائم و ۴ عضو ناظر و ۲۹ کشور متقاضی عضویت دارد. این واقعیت انکارناپذیر است که قواعد و نظام مورد توافق در این سازمان عملاً به قواعد بین الملل در زمینه تجارت جهانی بدل می شوند و کشورهای عضو و غیرعضو را تحت تأثیر خود قرار می دهد. بنابراین، چه بخواهیم و چه نخواهیم، کشورهای غیرعضو هم عملاً در معرض پیامدهای تصمیم های این سازمان قرار می گیرند، ولی از منافع آن برخوردار نمی شوند. در واقع در معرض رفتارهای تبعیضی قرار می گیرند و عرصه برای فعالیت های اقتصادی و تجاری آنها تنگ می شود. به همین دلیل هم این کشورها نیز متقاضی عضویت در سازمان هستند.

همان طور که قبلاً گفتیم در کنار سیاست کاهش تعرفه ها برای تسهیل تجارت، سیاست بازسازی برای تولیدات داخلی یعنی چشم دوختن به بازارهای خارجی، یکی از الزامات توسعه صنعتی و اقتصادی است. در شرایط فعلی اقتصاد جهانی این مهم میسر نمی شود،



یافتن پاسخ این پرسش که چه باید کرد تا اثرات منفی این فرایند بر اقتصاد کشورمان به حداقل برسد. برای این کار لازم است موقعیت خودمان در جهان و مزایای نسبی مان را شناسایی و بر آن اساس حرکت خود را برنامه ریزی کنیم. البته یک نکته را هم باید اضافه کنیم و آن اینکه جمهوری اسلامی ایران به عنوان محور و مرکز توجه جهان اسلام و به عنوان آمل و آرزوی ملت های ستمدیده در جهان اسلام، هدف توطئه های دشمنان اسلام و در رأس آنها آمریکا است و طبیعی است بر سر راه رشد و توسعه کشورمان و حضور ما در صحنه اقتصاد جهانی کارشکنی های جدی صورت بگیرد. اما اینکه از طریق تعامل مثبت با سایر کشورهای جهان و سنجیده کردن حرکت ها و سیاست های خود تا چه حد می توان کشورهای دیگر را همراهی با آمریکا بر حذر داشت و زمینه های بهره برداری را از حضور در اقتصاد جهانی فراهم کرد به خود ما بستگی دارد. این بحث بسیار مهمی است که باید دولت جمهوری اسلامی ایران به آن جدا توجه کند.

به نظر من پیوستن به ترتیبات منطقه ای و گروه کشورهای در حال توسعه به علت مشابهت های اقتصادی و نیز مشابهت های فرهنگی و اجتماعی موضوع بسیار مهمی است. طبعاً ایجاد وابستگی متقابل با کشورهای همسایه و نیز کشورهای منطقه در قالب همکاری های منطقه ای هم موضوعی بسیار مثبت و مهم است.

همان طور که گفتیم حرکت ما باید حساب شده و منطقی، و در عین حال با سرعت کافی انجام شود باشد تا از قافله حرکت جهانی عقب نمانیم و فاصله علمی، اقتصادی ما با کشورهای جهان بیشتر از آنچه هست، نشود.

در گذشته نه چندان دور فاصله میان کشورها از نظر درجه توسعه و توان اقتصادی و مالی خیلی زیاد بود، اما امروزه یک سال فاصله همانند ۵۰ فاصله در گذشته است. ●

همچون مالزی، ترکیه، تایلند، هند و ... به سرعت رقابتی شدن و حرکت در جهت تجارت آزاد را تجربه می کنند و نتایج مفیدی هم از آن به دست آورده اند. اما ما هنوز در کشورمان علی رغم پی گیری دولت برای عضویت در سازمان تجارت جهانی به جمع بندی درستی در این موضوع مهم نرسیده ایم. یعنی مجموع سیاست های اقتصادی و مقرراتی که در داخل کشور وضع کرده ایم یا وضع می کنیم در جهتی نیست که زمینه حضور ما را در ترتیبات اقتصادی چندجانبه و منطقه ای یا جهانی فراهم کند. این در حالی است که امروزه موضوع جهانی شدن در دستور کار همه کشورها قرار گرفته است. می خواهم بگویم که حتی محیط های دانشگاهی ما نیز هنوز درگیر بحث هایی نظیر مزایا و معایب رقابت پذیری هستند. واقعیت را بخواهید به نظر من امروزه صحبت کردن در باره ضرورت پیوستن یا نپیوستن به اقتصاد جهانی و ترتیبات منطقه ای و جهانی صرفاً تلف کردن وقت است. آنچه باید به آن توجه کنیم اتخاذ راهکارهایی است که ما را هر چه سریعتر از مزایای اقتصاد جهانی بهره مند کند و نیز

هفتی:

مجموع سیاست های اقتصادی ما

در جهتی نیست که زمینه

حضور ما را در ترتیبات

اقتصادی چندجانبه و

منطقه ای یا جهانی فراهم کند

مزیت نسبی و تکنولوژیک برخورداریم؛
- برنامه ریزی برای تأمین کالاهایی که تولیدشان در کشور توجیه کافی ندارد و در حال حاضر بدون حمایت امکان پذیر نیست.

برای جلوگیری از وارد آمدن ضربه و شوک به اقتصاد کشور باید این سیاست ها در قالب یک برنامه بلندمدت تنظیم شوند. مثلاً زمانی که قرار شد چین به سازمان تجارت جهانی بپیوندد، دولت آن کشور در سه مرحله قیمت تولید خودرو داخلی را کاهش داد. به عبارت دیگر تلاش کرد با آوردن صنعت اتومبیل سازی به داخل چین آن را رقابت پذیر کند. رقابت پذیری تنها از طریق تعرفه نیست. صنعت داخلی هم باید بتواند روی پای خود بایستد. این کار همزمان با اقداماتی صورت گرفت که عملاً چین را به سازمان تجارت جهانی پیوند داد، به گونه ای که در هنگام پیوستن به سازمان تجارت جهانی، صنعت اتومبیل چین دیگر نگران موضوع نبود، چرا که در این فاصله خود را رقابت پذیر کرده و قیمت ها را کاهش داده بود. آن ها حتی نگران تعرفه هایی که سازمان تجارت دیکته می کرد نبودند زیرا دیگر خودرو چین توان رقابت یافته بود.

در همین راستا هر چه بیشتر در ترتیبات منطقه ای حضور یابیم و سهم خود را در تجارت با کشورهای منطقه افزایش دهیم، بیشتر در جهت رقابت پذیر کردن اقتصاد حرکت کرده ایم. مثلاً در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، توانایی قابل توجهی نهفته است. حضور ما در این گونه بازارها و نیز آکو زمینه مناسبی برای کمک به اقتصاد کشور است. حتی فراهم شدن فرصت حضور ما در شورای همکاری خلیج فارس بسیار مغتنم است. البته معمولاً این کشورها در روابط تجاری بین خود، سیاست های موثری اعمال نمی کنند. مثلاً کشورهای تحت پوشش سازمان کنفرانس اسلامی می توانند در زمینه های بسیاری با یکدیگر مبادله تجاری داشته باشند، در حالیکه ترجیح می دهند مبادلات خود را از طریق یک کشور اروپایی ثالث انجام دهند. با وجود این مانع باز هم اگر بتوانیم در این بازار حضور داشته باشیم، منافع هر دو طرف تأمین خواهد شد.

هر اندازه زمان کوتاه تری برای تعامل مثبت و سازنده با کشورها صرف شود، می توانیم مدارج توسعه یافتگی را سریع تر طی کنیم. نکته مهم فرود بدون مشکل (soft landing) است. اگر جوانب کار را به درستی سنسچیم، مشکلاتی در اقتصادمان بروز خواهد کرد. در این راه موضوع مهم نگرش سازنده دولت برای رسیدن به مرحله مطلوب است. مهارت دولت در این کار تأثیر مستقیم بر کوتاه شدن زمان دارد. در حالیکه بی توجهی به زمان، عواقب سوء خواهد داشت و ما را از پیشرفت های جهانی بازمی دارد.

هفتی: متأسفانه برخورداری از درآمد سرشار نفت یکی از موانع رویکرد و اندیشیدن جدی مسئولین کشور ما به سوی جهانی شدن بوده است. بر همین اساس به جای نگرش و حرکت برون گرا، نگاهی درون گرا بر تمامی سطوح حرکت اقتصادی و استراتژی توسعه کشورمان حاکم شده است. این در حالی است که کشورهایی